

## اقتصاد ایران در جنگ تحمیلی سوم: ارزیابی سناریوهای تقابل

### ژئواکونومیک ایران و آمریکا

حمیدرضا مقصودی\*

#### چکیده

تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، به فاز متمایز و پیچیده‌ای هدایت شده است که از آن به «جنگ تحمیلی سوم» یاد می‌شود. این پدیده در بعد اقتصادی، تهاجمی ترکیبی است که با هدف اثرگذاری بر «معیشت عامه مردم»، «تخریب نظامات پولی» و «ضربه به زیرساخت‌های حیاتی کشور» طراحی شده است. چارچوب نظری این پژوهش بر «نظریه اقتصاد مقاومتی» استوار است. در این مقاله با بهره‌گیری از روش برنامه‌ریزی سناریویی و تلفیق آن با نظریه‌بازی‌های استراتژیک، به واکاوی آینده‌های محتمل این رویارویی پرداخته شده است. از تلاقی انتخاب‌های دو طرف (در سه سطح پایان زود هنگام، استمرار فرسایشی، و تصعید سخت)، نه سناریو استخراج شده و پیامدهای هر سناریو بر اساس چهار کانال انتقال شوک (پایداری ارزی، زنجیره توزیع انرژی، نظامات پولی جایگزین، و تاب‌آوری اجتماعی) مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده طیفی از پیامدهای متنوع در نتیجه انتخاب میزان تشدید جنگ در هرکدام از سناریوها توسط طرفین است. مبتنی بر نتایج پژوهش، پیروزی نهایی جمهوری اسلامی ایران صرفاً در گرو انتخاب مرحله بالاتر تشدید و ارتقای تاب‌آوری مردم خواهد بود و این در صورتی رخ خواهد داد که نظریه حاکم بر حکمرانی دولتی نیز به نظریه اقتصاد مقاومتی تغییر کند.

#### واژگان کلیدی

جنگ تحمیلی سوم، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اجتماعی، جنگ ترکیبی، برنامه‌ریزی سناریویی.

\* استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. ایمیل: [hr.maghsoodi@qom.ac.ir](mailto:hr.maghsoodi@qom.ac.ir)

# **The Third War of Attrition: A Scenario-Based Analysis of Iran-U.S.**

## **Geoeconomic Confrontation**

**Hamidreza Maghsoudi\***

### **Abstract**

The confrontation between the United States and the Islamic Republic of Iran has entered a distinct and complex phase, referred to in this study as the "Third War of Attrition" (Jang-e Tahmili-ye Sevom). In its economic dimension, this phenomenon constitutes a hybrid offensive designed to impact "public livelihood," "destabilize monetary systems," and "strike at the country's critical infrastructure." The theoretical framework of this research is grounded in the "Resistance Economy" doctrine, employing scenario planning integrated with strategic game theory to explore plausible futures of this confrontation. From the intersection of both parties' choices—at three levels: early termination, protracted attrition, and hard escalation—nine scenarios are derived. The consequences of each scenario are assessed through four shock transmission channels: (1) monetary stability, (2) energy supply chains, (3) alternative monetary systems, and (4) social resilience. The findings reveal a spectrum of diverse outcomes depending on the scenario selected by each side. Based on the results, Iran's ultimate victory hinges on a paradigm shift from technocratic bureaucracy to the Resistance Economy model and the enhancement of popular resilience—provided that the governing theory of state governance also transitions to the Resistance Economy framework.

**Keywords:** Third imposed war, resistance economy, social resilience, hybrid war, scenario planning.

---

\* Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran.  
Email: hr.maghsoudi@qom.ac.ir

## ۱. مقدمه و بیان مسئله: تطور پارادایمیک منازعات و ظهور نبرد اقتصادمحور

با افول قدرت سخت و سنتی ایالات متحده آمریکا و ناتوانی این کشور در پیشبرد راهبردهای تهاجم نظامی مستقیم زمینی در منطقه غرب آسیا که در جنگ‌های افغانستان و عراق نیز نمایان شد، نبرد آمریکا در این منطقه، به سمت فرآیندهای ژئواکونومیک و هوشمند تغییر کرده است. بخشی از این آرایش نوظهور که با الهام از مقاطع سرنوشت ساز دفاع مقدس و نبرد اقتصادی دهه نود، در این پژوهش «جنگ تحمیلی سوم» نامیده می‌شود، ماهیتی ترکیبی و معیشت‌محور دارد. در این فضا، مرزهای سنتی میان پادگان و بازار، موشک و پول، و سرباز و شهروند به کلی مخدوش شده است. جنگ نظامی نیز در خدمت جنگ اقتصادی قرار می‌گیرد و نقاط هدف حتی در جنگ نظامی را کانون‌های تجارت و مبادلات منطقه‌ای قرار می‌دهد.

در بستر جنگ تحمیلی سوم، اقتصاد دیگر نقش سنتی پشتیبانی لجستیکی از نیروهای مسلح را بر عهده ندارد، بلکه خود به پهنه اصلی نبرد تبدیل شده است. بر اساس مبانی نظری اقتصاد سیاسی خارجی آمریکا که در تحلیل‌های اقتصاددانانی چون جفری ساکس انعکاس یافته است (Sachs, 2026)، هیئت حاکمه واشنگتن با هدایت اتاق‌های فکر مالی (نظیر ساختارهای هدایت‌شده توسط اسکات بسنت<sup>۱</sup> در وزارت خزانه‌داری)، به این جمع‌بندی راهبردی رسیده‌اند که برای متوقف کردن کلان‌روند حرکت جمهوری اسلامی، گسیل تانک‌ها دیگر موثر نیست. از منظر آنان، سلاح‌های پولی هوشمند قادرند از طریق تخریب ارزش مبادلاتی پول ملی، ایجاد ناترازی‌های حاد سازمان‌یافته در سیستم بانکی، مسدودسازی رگ‌های حیاتی تجارت خارجی، مردم ایران را زیر فشارهای جانکاه معیشتی قرار داده و زمینه را برای شورش‌های اجتماعی و گسست پیوند محکمی که میان حاکمیت و مردم وجود داشته است، فراهم آورند. نیروی نظامی تنها می‌تواند به کارآمدسازی این ابزارها کمک کند.

آسیب‌پذیری ایران در برابر این شلیک‌های اقتصادی، ریشه در سیطره چندین‌دهه‌ای تفکر غرب‌زده در نهادهای تصمیم‌گیری داخلی ایران دارد. این نگرش با شرطی‌سازی اقتصاد کلان نسبت به نرخ ارزهای خارجی و پذیرش داوطلبانه قواعد پولی نهادهای بین‌المللی، ساختار اقتصادی کشور را در برابر تکانه‌های بیرونی شکننده کرده است. این تفکر را از حیث اعتراف که

---

<sup>۱</sup> Scott Bessent

صاحبان آن در ایران دارند، لیبرالیسم و از حیث نوع ارتباطی که با هژمون آمریکایی برقرار می‌کنند، استعمارپذیر می‌دانم و از آن به «لیبرالیسم استعمارپذیر» تلقی می‌کنم. این تفکر با تضعیف ظرفیت‌های تولید بومی و نادیده گرفتن شبکه اقتصاد تاریخی ایرانی و مسدود کردن مسیرهای تجاری تاریخی عملاً بستر مناسبی را برای اصابت تروریسم اقتصادی آمریکا مهیا ساخته است.

در سوی دیگر این ترازوی استراتژیک، موقعیت بی‌بدیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران در قلب شاهراه‌های مواصلاتی انرژی جهان قرار دارد. ایران، به‌عنوان کشوری که در همسایگی مستقیم قفقاز جنوبی واقع شده و از موقعیتی ژئواستراتژیک در تقاطع مسیرهای شمال - جنوب و شرق - غرب برخوردار است، ظرفیت آن را دارد که به بازیگری محوری در شبکه کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود. قرار گرفتن ایران در مسیر پیونددهنده آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، خلیج فارس و آسیای جنوبی، این کشور را در نقطه‌ای کلیدی از نقشه ترانزیتی اوراسیا قرار داده است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۵). مطابق با داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی (EIA, 2025) و اداره اطلاعات و آمار انرژی ایالات متحده (IEA, 2026)، بیش از ۲۰ درصد از نفت خام دنیا، بیش از ۲۰ درصد از ال‌ان‌جی تجاری دنیا و سهم قابل توجهی (بیش از یک سوم) از کودهای شیمیایی و محصولات پتروشیمی جهان از گذرگاه تنگه هرمز عبور می‌کند (OECD, 2026; IEA, 2026). این تمرکز جغرافیایی، وزنه تعادلی سنگینی را در اختیار تهران قرار می‌دهد. اعمال هرگونه استراتژی تدافعی یا اختلال در این جریان حیاتی، تورم بالا و بحران‌های حمل و نقل را در اقتصاد کشورهای اروپایی را نتیجه می‌دهد. تجربه جنگ تحمیلی سوم نشان داد که ایران دارای قابلیت ایجاد شوک در نظم انرژی دنیاست و در برخی موارد ایران از این فرصت برای به چالش کشیدن آمریکا به‌خوبی استفاده کرد.

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش این است که این تقابل چندوجهی و پیچیده در آینده به کدام سمت حرکت خواهد کرد؟ از آنجا که رویکرد خطی و پیش‌بینی‌های تک‌بعدی در نظام‌های پویا و بحرانی کارایی ندارند، بهره‌گیری از روش سناریونویسی برای بررسی رفتارها و آینده‌پژوهی آن‌ها امری حیاتی است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بنیادین است: سناریوهای

محتمل تداوم جنگ تحمیلی سوم با توجه به تلاقی رویکردهای ایران و جبهه استکبار کدام‌اند و دکترین اقتصاد مقاومتی چگونه می‌تواند پایداری معیشت مردم و پیروزی استراتژیک ایران را در هر یک از این آینده‌ها تضمین کند؟

## ۲. چارچوب نظری

### ۲.۱. چرا اقتصاد کلان متعارف نمی‌تواند ایستادگی اقتصادی مردم ایران در برابر تکانه‌های

#### شدید را پیش‌بینی یا تحلیل کند؟

اقتصاد کلان متعارف پدیده‌ها را صرفاً از طریق شاخص‌های کمی، انتزاعی و صوری نظیر نرخ رشد ناخالص داخلی (GDP)، نمودارهای تعادلی عرضه و تقاضا و سازوکار بازار تحلیل می‌کند. این پارادایم در مواجهه با شرایط جنگ اقتصادی تمام‌عیار، دچار نقصان تحلیلی می‌شود؛ چراکه قادر به درک متغیرهای غیرمادی، توان ایمانی جامعه، نهادهای موازی انقلابی و شبکه تکافل اجتماعی نیست. در این نگاه، هنگامی که ارزش پول ملی سقوط می‌کند و تحریم‌های پرقدرت اعمال می‌شوند، سیستم به سمت فروپاشی حتمی میل می‌کند. علی‌الخصوص اگر این تحریم‌های گسترده با حملات نظامی هدفمند به‌منظور ازبین‌بردن قوه فرماندهی یک کشور نیز همراه شود. اما در این مجرای تحلیلی، متغیرهای پنهانی چون «روحیه جهادی»، «ایمان الهی»، «ایثار اقتصادی» و «انعطاف‌پذیری مردمی»، «قدرت ناسیونالیسم» و «نظم متفاوت اجتماعی» می‌توانند معادلات را برهم زنند.

در مواجهه با جنگ ترکیبی فعلی، مفاهیمی چون توسعه رفاه‌زده جای خود را به «دکترین اقتصاد مقاومتی» داده‌اند. اقتصاد مقاومتی به معنای انقباض منفعلانه یا گرسنگی دادن به جامعه نیست، بلکه یک طراحی مهندسی‌شده، پویا و مهاجم برای بازآفرینی نظامات تولید، توزیع و مصرف بر پایه ظرفیت‌های بومی و ساختارهای غیرقابل تحریم است. این اقتصاد در مواضعی چون جنگ تحمیلی قابلیت‌هایی را به کشور می‌دهند که می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی را دوچندان کند:

۱. تاب‌آوری اجتماعی: به‌عنوان مثال، طراحی شبکه توزیع مایحتاج اساسی مردم به گونه‌ای که حتی در صورت فلج شدن نظامات بانکی متمرکز، کالاها از طریق کانال‌های موازی و مردمی (مانند مساجد و پایگاه‌های جهادی) به سفره‌های مردم برسد تا امنیت غذایی و دارویی مخدوش نگردد. در جنگ فعلی هنوز به این مرحله ورود نکرده‌ایم. اما این قابلیت اجتماعی در سطوحی متفاوت در جامعه ایرانی گسترانیده شده و نظم‌های متعددی را از نظم خانوادگی (خانواده‌های گسترده)، نظم ایمانی و مذهبی (مساجد و هیأت‌ها)، نظم سیاسی و انقلابی (بسیج و پایگاه‌های مقاومت)، نظم ناسیونالیستی و مدنی (شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد) و نظم نژادی و قومی (قبایل و عشایر) پدید آورده است. این نظم‌ها تعلقاتی را تولید کرده‌اند که از مجرای این تعلقات، شکست اجتماعی را به پدیده‌ای با احتمال بسیار پایین تبدیل می‌کنند. لذا این اجتماع تقریباً شکست‌ناپذیر می‌تواند مجرای حل و فصل بسیاری از نیازهای مردم شود.

۲. نهاد سازی موازی و مردمی کردن اقتصاد: به‌عنوان مثال، خروج تولید از انحصار کارتل‌های بزرگ سرمایه‌داری و تکنوکراتیک و سپردن آن به هسته‌های کوچک، چابک و توزیع‌شده مردمی در پهنه جغرافیا. این ساختار سلولی، اثرپذیری سیستم را از حملات سایبری و فیزیکی به حداقل می‌رساند.

۳. تکافل اجتماعی و اقتصاد اربعینی: به‌عنوان مثال، احیای سنت‌های اصیل اسلامی نظیر قرض‌الحسنه، مواسات و تکافل به منظور کاهش ضریب جینی و مهار ترکش‌های تورمی جنگ در میان دهک‌های پایین جامعه می‌تواند، توان تحمل فشارهای سنگین را دوچندان می‌کند.

۴. تضعیف چرخه‌های پیش‌بینی‌پذیر اقتصادی: به‌عنوان مثال، قطع وابستگی از سیستم‌های نظارتی غربی (مانند FATF و سوئیفت) و خروج کامل از چرخه پترودلار از طریق ایجاد نظامات پیامرسان مالی بومی و پیمان‌های پولی چندجانبه با کشورهای هم‌سو، اثرات تحریم‌های اقتصادی را به حداقل می‌رساند و پیش‌بینی‌ها نسبت به اثربخشی تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی را دچار اخلال می‌کند.

لذا اقتصاد متعارف علی‌رغم پیشرفت‌های فراوانی که در حوزه‌هایی چون اقتصاد رفتاری، اقتصاد شناختی، اقتصاد شبکه عصبی و ... کرده است، نمی‌تواند ادراک کند که به چه دلیل، فشارهای همه‌جانبه اقتصادی که آمریکا و متحدانش دهه‌هاست بر ایران تحمیل کرده‌اند و در حال تشدید هستند نمی‌تواند آن‌چه در ایران رخ می‌دهد را توجیه کند. چرا که این اقتصاد هنوز توان کافی برای ورود به تحلیل‌های حوزه متافیزیک رفتاری را پیدا نکرده است. اما بنای پارادایم اقتصاد مقاومتی بر تحلیل پدیده‌هایی است که از ایدئولوژی و چه بسا الهیات مقاومت نشأت گرفته‌اند. از این رو قابلیت بسیار بالاتری برای ادراک این حوزه رفتاری دارد.

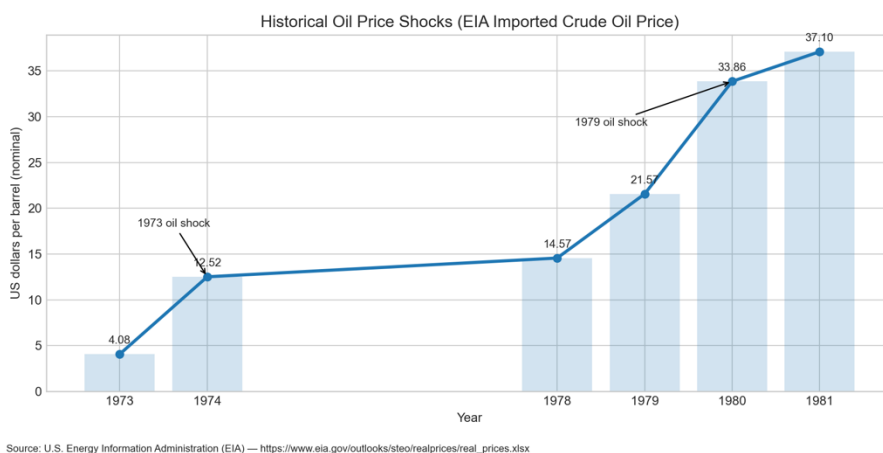
بر اساس بیانات شهید سیدعلی خامنه‌ای ره، اقتصاد مقاومتی الگویی بومی و علمی است که بر ارتقای شاخص‌های استقامت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر تکانه‌های بیرونی، اعم از بحران‌های مالی جهانی یا تحریم‌ها، تمرکز دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). این نظریه بر دو پایه اصلی «درون‌زایی» و «برون‌گرایی» استوار است؛ به این معنا که با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، دانش‌بنیان کردن تولید و مردمی‌سازی اقتصاد، تلاش می‌کند اقتصادی پویا بنا کند که در عین تعامل سازنده با جهان، از استقلال ساختاری برخوردار باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). در این چارچوب، هدف نهایی تنها رشد اقتصادی صرف نیست، بلکه رسیدن به شکوفایی پایدار و پیشگیری از انفعال در برابر فشارهای بین‌المللی از طریق تقویت زیرساخت‌های کلان و حمایت از تولید ملی مد نظر است و بناست سطح عدالت را در جامعه بهبود بخشد.

از منظر الهیاتی، اقتصاد مقاومتی ریشه در آموزه‌هایی چون «عدالت اجتماعی»، «عزت اسلامی» و اصل «نفی سبیل» دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). بر مبنای قاعده فقهی نفی سبیل، ساختار اقتصادی جامعه اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که مانع از هرگونه تسلط، برتری و وابستگی استعمارگونه بیگانگان بر مقدرات و معیشت مسلمانان گردد (قرآن کریم، نساء: ۱۴۱). این دیدگاه، تلاش اقتصادی را نوعی جهاد و تکلیفی الهی در جهت صیانت از کرامت و استقلال جامعه می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹). در واقع، این الگو با پیوند میان اخلاق و معیشت، مفاهیمی همچون قناعت (مصرف بهینه) و برکت را با مفاهیم مدرن اقتصادی گره می‌زند تا جامعه را به سمتی هدایت کند که در آن معیشت عمومی، نه بر پایه وابستگی، بلکه بر مدار خودباوری و توازن میان نیازهای مادی و آرمان‌های توحیدی سامان یابد.

از این روست که علی‌رغم فشارهای گسترده‌ای که انتظار می‌رود بتواند اقتصاد ایران را دچار فروپاشی کند، این اقتصاد با وجود همه مشکلات همچنان پایدار است.

## ۲.۲. ساختار نوین اقتصاد آمریکا و مغالطه آسیب‌ناپذیری در برابر تکانه‌های ژئواکونومیک

از استدلال‌های پرتکرار جریان رایج، اتکا به گزارش‌های نهادهای مالی نظیر بانک فدرال رزرو بوستون (۲۰۲۶) است که ادعا می‌کند اقتصاد آمریکا به دلیل دگرگونی‌های ساختاری و توسعه استخراج نفت شیل، به یک صادرکننده خالص انرژی تبدیل شده و دیگر مانند دهه ۱۹۷۰ در برابر شوک‌های نفتی آسیب‌پذیر نیست. بر اساس این داده‌ها، شوک نفتی ناشی از درگیری‌های جاری (که طی آن قیمت نفت با جهش ۵۴ درصدی از ۶۵ دلار در فوریه (اسفند) به ۱۰۰ دلار در مه (فروردین) رسیده است و حتی در بازه‌های زمانی هرچند کوتاهی توانست قیمت‌های بیش از ۱۲۰ دلار را هم لمس کند) (oilprice.com)، بر اساس روش همیلتون تنها تکانه‌ای ۳۳ درصدی تلقی می‌شود که تقریباً نصف شدت شوک‌های دوران تحریم نفتی ۱۹۷۳ یا انقلاب ۱۳۵۷ است.<sup>۲</sup> در شوک نفتی ۱۹۷۳، قیمت نفت از حدود ۴ دلار به ۱۲ دلار و در شوک نفتی ۱۹۷۹، از ۱۴ دلار به حدود ۳۴ دلار رسید.



<sup>۲</sup> جیمز همیلتون شوک نفتی را بر اساس درصد تغییر قیمت نسبت به اوج ۱۲ ماه منتهی به لحظه فعلی محاسبه می‌کند، نه افزایش ساده نقطه به نقطه

در نتیجه، آنها مدعی‌اند تأثیر شوک نفتی بر اشتغال آمریکا به صفر رسیده و تگ‌زاس از آن سود می‌برد و این تکانه صرفاً مسئله‌ای

تورمی (حدود ۱/۵ درصد) است، نه محرک رکود (Federal Reserve Bank of Boston, 2026).

اما این تحلیل واجد یک پنهان‌کاری بزرگ است؛ زیرا اولاً پایداری اقتصاد آمریکا صرفاً در فاز «جنگ فرسایشی کم شدت و کنترل‌شده» صادق است. ثانیاً این گزارش‌ها پیوستگی عمیق بازارهای مالی جهانی را نادیده می‌گیرد و صرفاً بر پایه تحلیل قیمت نفت بنا شده است. این در حالی است که بازارهای مالی امروزه بسیار عمیق‌تر و وابسته‌تر از دهه ۱۹۷۰ است. از این روست که هرگونه شوک در هر گوشه از بازار می‌تواند به سرعت در کل گستره بازار منتشر شود و سایر بخش‌ها را در بر بگیرد. اثر انتشار شوک، بازارهای دیگر را هم وارد شوک‌های ساختاری می‌کند و تعادل عمومی بازار را به هم میریزد. از این روست که ماهیت شوک در این جنگ را نمی‌توان با ماهیت شوک در دهه ۱۹۷۰ به‌طور یک‌سان در نظر گرفت و تحلیل کرد. در صورت ورود به فاز تصعید شدید و انسداد کامل آبراه‌های خاورمیانه، زنجیره تأمین جهانی کالا و غذا دچار اختلال شده و تورم ناشی از آن، می‌تواند بستر یک بحران اجتماعی را در خود آمریکا پدید آورد. چرا که جریان قطع جریان تأمین ۲۰ درصد از نفت و گاز و محصولات پتروشیمی و کودهای شیمیایی، می‌تواند جریان تولید انرژی و محصولات کشاورزی و صنعتی را دچار اختلال کند. شوک‌های همزمان سوخت و غذا تراز نابرابری را در غرب افزایش می‌دهد و ساختارهای پولی را با توجه به افزایش قیمت نفت دچار مخاطره خواهد کرد. آنچه تا کنون در این جنگ رخ داده است، تصعید شدید نبوده است. آبراه‌ها به‌طور بسیار موضعی بسته شده‌اند و جریان انرژی به‌طور نسبی برقرار بوده است و انتظارات بلندمدتی که بتواند بازارها را نسبت به آینده انرژی بدبین کند شکل نگرفته است.

اما سوی دیگر این منازعه، شخصیت خاص دولت ترامپ است. سایمون در مقاله خود با عنوان «ایران و رئیس‌جمهور ترامپ: هدف نهایی چیست؟» که در سال ۲۰۱۸ و در دوران اول ریاست‌جمهوری ترامپ نگاشته است، هشدار می‌دهد که دولت ترامپ با رویکرد تهاجمی و بدون چارچوب مشخص، در حال ورود به بازی‌ای خطرناک است که نه تنها ایران را از اهدافش باز نمی‌دارد، بلکه نظم بین‌المللی و منافع راهبردی آمریکا را به مخاطره می‌اندازد. پرسش کلیدی این است که این مسیر تهاجمی به کجا ختم خواهد شد و آیا آمریکا آماده پذیرش هزینه‌های یک جنگ یا اشغال طولانی مدت در خاورمیانه است؟

پاسخ سایمون در همان مقاله این است که عقب‌راندن ایران مشابه استراتژی شکست‌خورده دوران جنگ سرد در اروپای شرقی است و به دلیل عدم تقارن منافع (ایران برای خود اهمیت حیاتی دارد، اما برای آمریکا نه)، خطر تشدید و شکست را به همراه دارد. افزایش بودجه نظامی عظیم (همتراز با دوران ریگان) در کنار کنار گذاشتن دیپلماسی (خروج از برجام، پیمان اقلیمی پاریس و...) نشان می‌دهد که آمریکا به جای ابزار دیپلماسی، به زور نظامی متکی شده است. در نهایت، این سیاست می‌تواند به اشغال نظامی بلندمدت در منطقه بیانجامد، اما ایران را تضعیف نکند، و حتی به نفع آن تمام شود، در حالی که اروپا و دیگر قدرت‌ها (روسیه و چین) از آمریکا فاصله می‌گیرند (Simon, 2018).

### ۳. روش‌شناسی پژوهش: چارچوب ماتریس رفتاری در سناریوسازی و بررسی

#### مبانی بر نظریه بازی‌ها

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی-راهبردی و از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از ابزار آینده‌پژوهی سناریونویسی است. برای مدل‌سازی آینده‌های نامطمئن تقابل ژئواکونومیک ایران و آمریکا، به جای استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی که در شرایط به‌شدت ناپایدار جنگ کارایی ندارند، از روش «برنامه‌ریزی سناریویی»<sup>۳</sup> استفاده شده است. فرآیند کار شامل شناسایی پیشران‌های کلیدی<sup>۴</sup>، تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی<sup>۵</sup> و تبیین روایات منطقی از آینده‌های محتمل<sup>۶</sup> است. برنامه‌ریزی سناریویی، روشی منضبط برای تصور آینده‌های ممکن است که در آن با استفاده از داده‌ها، داستانی روایت می‌شود، اما پژوهشگر در داده‌ها غرق نمی‌شود (Schoemaker, 1995, p. 26). برخلاف برنامه‌ریزی مشروط که عمدتاً به یک عدم قطعیت می‌پردازد، سناریونویسی عدم قطعیت‌های متعدد را بررسی کرده و تغییرات را در متغیرهای گوناگون برمی‌انگیزد و به‌جای ارائه هزاران خروجی مانند مدل‌های شبیه‌سازی، به دنبال چند الگوی معنادار در میان داده‌ها می‌گردد (Schoemaker, )

---

<sup>۳</sup> Scenario Planning

<sup>۴</sup> Key Drivers

<sup>۵</sup> Critical Uncertainties

<sup>۶</sup> Plausible Narratives

26, p. 1995). این ویژگی‌ها، سناریونویسی را به ابزاری کارآمد برای تحلیل منازعات پیچیده و چندلایه‌های مانند جنگ تحمیلی سوم تبدیل کرده است. عدم قطعیت بحرانی در منازعه موضوع این پژوهش، ناشی از تلاقی تصمیمات راهبردی دوکنشگر اصلی یعنی جمهوری اسلامی ایران (به عنوان پیشران محور مقاومت) و ایالات متحده آمریکا (به عنوان پیشران محور غرب) است. برای هر یک از این دو بازیگر، سه رفتار کلان محتمل متصور است که از تلاقی آنها ماتریسی سه در سه با ۹ سناریوی متمایز استخراج می‌شود:

- **انتخاب‌های آمریکا: پایان زود هنگام، استمرار فرسایشی (چرخه پیشنهاد آتش بس، مذاکره، جنگ)، تصعید و تشدید سخت (فروپاشی هژمونی).**

- **انتخاب‌های ایران: پایان زود هنگام، استمرار فرسایشی (چرخه پذیرش آتش بس، مذاکره، جنگ)، تصعید و تشدید سخت (جنگ عاشورایی).**

تحلیل این ماتریس می‌تواند مقاله را به گونه‌ای وارد تبیین نظریه بازی‌ها از رفتار دوبازیگر کند. بازیگرانی که تنها به سودهای اقتصادی نگاه نمی‌کنند و موقعیت‌هایی چون بقا و هژمون را هم در نظر می‌گیرند. در این پژوهش، به جای کاربرد صرف مدل‌های کمی نظریه بازی‌ها، از رویکرد کیفی-تف سیری در نظریه بازی‌ها استفاده شده است. نظریه بازیها به عنوان نظریه‌ای درباره سیاست بین‌الملل، رفتار هدفمند دولت‌ها را در غیاب نهادهای متمرکز و دارای اقتدار مفروض می‌گیرد. بدین ترتیب، مسائل بنیادین هرج و مرج بین‌المللی و پیامدهای پیکربندی‌های مختلف منافع ملی و اوضاع سیاسی را برای تعارض و همکاری بین‌المللی روشن می‌سازد (Snidal, 1985, p36). دلیل انتخاب این نظریه، ماهیت چندلایه‌ای جنگ تحمیلی سوم است که در آن سود و زیان بازیگران صرفاً اقتصادی نیست؛ بلکه شامل «بقای تمدنی»، «هژمونی سیاسی»، «انسجام اجتماعی» و «اعتبار بین‌المللی» می‌شود. از سوی دیگر، اطلاعات ناقص است و هر دو طرف درک نادرستی از توانایی‌های یکدیگر دارند (مثلاً آمریکا تاب‌آوری اجتماعی ایران را دست‌کم می‌گیرد و ایران قدرت ماندگاری آمریکا در شرایط جنگی را

نادیده می‌گیرد). در این وضعیت، ترجیحات بازیگران در طول زمان تغییر می‌کند (مثلاً با افزایش تورم در غرب، اولویت آمریکا از «تغییر رژیم» به «مدیریت بحران داخلی» و از «رویکرد نظامی» به «رویکرد اقتصادی» تغییر می‌کند).

از این رو، ماتریس ارائه شده در مقاله، یک بازی ایستا با اطلاعات ناقص را نشان نمی‌دهد، بلکه یک بازی پویا با افق نامتناهی است که در آن هر کنش، واکنش، و هر واکنش، کنش جدیدی را شکل می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، این پژوهش از «نظریه بازی‌های تکاملی» الهام گرفته است؛ جایی که استراتژی‌های موفق در طول زمان توسط هر دو طرف کپی‌برداری می‌شوند یا استراتژی‌هایی که سابقاً تصور می‌شد موفق هستند، کنار گذاشته می‌شوند. حرکت از یک سناریو به سناریو دیگر می‌تواند آنی و مکرر باشد. این گونه نیست که ماندگاری در محیط یک سناریو لزوماً طولانی مدت باشد و بسته به ارزیابی‌ها و سلاقی بازیگران، این رفت‌وبرگشت‌ها می‌تواند به‌طور مکرر رخ دهد. یعنی ممکن است با موقعیت تعادل یا تعادل پایا مواجه نباشیم. از این رو در این مقاله تنها می‌توانم وضعیت‌ها و پیامدها را نشان دهم. بررسی میزان ماندگاری در محیط یک سناریو قدری متفاوت از مفاهیمی است که در این مقاله به دنبال آن‌ها هستم و آن را به نوشتاری دیگر احاله می‌دهم.

در ادامه تلاش می‌کنیم با روشی تلفیقی از تحلیل سناریویی و نظریه بازی‌ها به تحلیل پیامدهای انتخاب‌های دو بازیگر بپردازیم. هرکدام از سناریوها اگر توسط هرکدام از بازیگران انتخاب شود، مکانیسم‌های انتقال شوک متفاوتی را فعال می‌کند. تحلیل مکانیسم‌های انتقال شوک در نوشتارهای برنامه‌ریزی سناریویی مرسوم است (Schwartz, 1996). تحلیل پیامدهای هر سناریو در قالب چهار کانال انتقال شوک پایداری ارزی و پولی، لجستیک و زنجیره تأمین انرژی، نظامات مالی و تجاری بین‌المللی و تاب‌آوری اجتماعی به شکل ماتریسی قابل طرح است.

نهایتاً روش شناسی این پژوهش، تلفیقی نوآورانه از سناریونویسی، نظریه بازی‌های تفسیری، و تحلیل کیفی کانال‌های انتقال شوک است. این رویکرد امکان خروج از پیش‌بینی‌های خطی و جبرگرایانه را فراهم کرده و به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا برای طیف وسیعی از آینده‌های محتمل، راهکارهای تاب‌آورانه طراحی کنند.

## ۴. تحلیل پیامدهای نه‌گانه

هر کدام از طرفین جنگ، دارای سه انتخاب هستند. انتخاب اول، انتخاب پایان زودهنگام جنگ، انتخاب دوم، انتخاب تداوم فرسایشی و پینگ‌پونگی جنگ و انتخاب سوم نیز انتخاب تصعید جنگ و فشار حداکثری است. مجموعاً نه وضعیت ممکن است در نتیجه جنگ رخ دهد. در این بخش هرکدام از این وضعیت‌ها را به اختصار شرح داده می‌شود و پیامدهای آن‌ها تبیین می‌شود.

### ۴.۱. انتخاب اول ایران: پایان زودهنگام جنگ توسط ایران (تله تنش‌زدایی)

تحلیل انتخاب‌ها به این صورت انجام می‌شود که سه پاسخ محتمل به هرکدام از انتخاب‌های ایران به ترتیب شرح داده می‌شود. اولین انتخاب ایران، انتخاب پایان زودهنگام جنگ است. در مقابل، آمریکا نیز می‌تواند همین انتخاب را داشته باشد یا این‌که تصمیم بگیرد جنگ را به صورت فرسایشی و پینگ‌پونگی ادامه دهد، یا این‌که تصمیم بگیرد جنگ را با اوج فشار ادامه دهد. در ادامه، به تبیین هر کدام از این وضعیت‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۴.۱.۱. رویکرد پایان زودهنگام جنگ (آتش‌بس موقت و مبهم) توسط طرفین

در این سناریو، هر دو طرف پس از تجربه یک فاز درگیری نظامی و اقتصادی حاد اما محدود، به دلیل احساس هزینه‌های سنگین، به یک آتش‌بس تن می‌دهند. این وضعیت تداعی‌کننده وضعیت عقب‌نشینی تاکتیکی برای بازسازی قوا است. از منظر دکترین اقتصاد مقاومتی، این سناریو یک «تسکین کاذب و زودگذر» است. در کوتاه‌مدت، بازار سرمایه به طور صوری دچار رشد شده و نرخ ارزهای خارجی در بازارهای غیررسمی با ریزش مواجه می‌شود. اما به دلیل پابرجا بودن جوهره تنازع و عدم رفع نهادینه تحریم‌ها، ریسک سیستماتیک در بالاترین سطح باقی می‌ماند. این امر مانع از شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت مولد صنعتی شده و اقتصاد در فاز ابهام، رخوت و انتظارهای شرطی شده باقی خواهد ماند به این معنا که تا لحظه شقاق شدن نتایج، سرمایه‌ها به سمت و سوی تولید سرازیر نمی‌شوند، انتخاب‌های شغلی صورت نمی‌گیرد، انتخاب‌های تکنولوژیک

در جهت ارتقای سطح تولید یا بهره‌وری انجام نمی‌شود و صنعت در حالت انتظار باقی می‌ماند. قیمت جهانی نفت خام به سرعت واکنش نشان داده و به کانال تعادلی ۷۰ تا ۸۰ دلار سقوط می‌کند. اما از سوی دیگر، مخارج نظامی گسیل شده به منطقه در ایام درگیری، به عنوان هزینه‌های غرق شده<sup>۷</sup> بدون دستاورد استراتژیک پایدار بر تراز مالی و شنگتن سنگینی خواهد کرد. در این شرایط هیچ‌کدام از دو طرف نتوانسته‌اند اهداف خود را محقق کنند از این روست که در یک نقطه تعادل غیرپایا قرار دارند و کوچکترین انحرافی از این نقطه تعادلی، خروج طرفیت از وضعیت تعادلی را رقم می‌زند.

#### ۴.۱.۲. انتخاب پایان زود هنگام توسط ایران و استمرار فرسایشی جنگ از سوی دشمن (نه جنگ نه صلح)

در این آینده، جریان تکنوکراتیک ایرانی بسته‌های اقتصادی ارائه شده توسط آمریکا را مثبت ارزیابی می‌کند و ساختار حاکمیت را به سمت اتخاذ استراتژی تنش‌زدایی یک طرفه و درخواست توقف مخاصمه سوق می‌دهد. در نقطه مقابل، تحلیل آمریکا این رفتار را نشانه خالی شدن ذخایر راهبردی ایران تلقی کرده و نه تنها تحریم‌ها را برنمی‌دارد و از محدودیت‌ها نمی‌کاهد، بلکه نبرد را در لایه‌های غیرنظامی با شدتی مستمر، فرساینده و هوشمند تداوم می‌بخشد. این سناریو مخرب‌ترین سناریو را برای تحقق اقتصاد مقاومتی ایجاد می‌کند و اقتصاد در وضعیت انتظار «نه جنگ و نه صلح» گرفتار می‌شود. به دلیل استمرار انسدادهای مالی و شرطی ماندن بازارها، فرار سرمایه شتاب گرفته و بانک مرکزی جهت ایفای تعهدات بودجه‌ای ناچار به سیاست‌های گران‌سازی ارز و ایجاد محدودیت‌های پولی روی می‌آورد. چرا که احساس می‌کند می‌تواند با فروش ذخایر ارزی خود با قیمت بالاتر، نیازمندی‌های بودجه‌ای خود را بهتر تأمین کند. نرخ تورم از حالت سرکش به سمت و سوی تورم‌های بالاتر حرکت می‌کند، کسری بودجه دولتی ساختاری شده و زمینه برای بروز گسست‌های معیشتی فراهم می‌شود. در مقابل، هزینه‌های سخت نظامی آمریکا به حداقل ممکن کاهش یافته و قیمت جهانی نفت در محدوده ۸۰ تا ۱۰۰ دلار مدیریت می‌شود. درگیری‌های مختصر و قابل کنترل از خصوصیات این پیامد است. درگیری‌هایی که انگیزه لازم برای خروج از وضعیت

را فراهم نمی‌کند. چرا که همچنان توجیهات گسترده‌ای برای باقی ماندن در شرایط نه جنگ و نه صلح برای دو طرف وجود دارد. هر دو طرف احساس می‌کنند که انحراف یک طرفه<sup>۸</sup> از وضعیت فعلی، می‌تواند آن‌ها را در شرایط نامناسبی وارد کند.

#### ۴.۱.۳. انتخاب پایان زود هنگام توسط ایران و تصعید فشار توسط آمریکا (غفلت تاریخ ساز)

این رویکرد در واقع تکرار غفلت تاریخی است که در ابتدای جنگ دوازده روزه و ابتدای جنگ تحمیلی سوم برای ایران رقم خورد. غفلتی که ایران را وارد یک وضعیت ظاهراً مطمئن و در واقع غیر مطمئن می‌کند و کشور را در معرض حملات ناگهانی مجدد قرار می‌دهد. در این رویکرد، ایران پالس‌های صریح عقب‌نشینی را سال می‌کند و با این تصور که از وضعیت جنگی عبور کرده است، سیستم تدافعی خود را به حالت نیمه خاموش در می‌آورد. در واقع این استراتژی در پی یک آتش بس صوری رخ می‌دهد. این آتش بس یک آتش بس فریبنده و غیر واقعی است و گارد ایران را نسبت به حملات بعدی به شدت باز می‌کند. اتاق‌های فکر و عملیات واشنگتن با اتکا به دکترین «ضربه نهایی» یعنی ضربه‌ای برای نابودی ایران یا نابودی نظام جمهوری اسلامی، حملات خود را در بالاترین سطح ممکن در حوزه‌های پولی، سایبری و نظامی تصعید می‌کنند تا موجبات فروپاشی کامل ساختار حاکمیت را فراهم آورند. در این شرایط ضمن وقوع فاجعه در ساختارهای بوروکراتیک (همانند تعطیلی سیستم حکمرانی دولتی در جنگ دوازده روزه و جنگ تحمیلی سوم)؛ زیرساخت‌های حیاتی انرژی هدف حملات سنگین فیزیکی قرار می‌گیرند. با اعمال محاصره کامل دریایی توسط ناوگان دشمن، آن بخش از تجارت خارجی کشور که از مسیر دریا انجام می‌شود، قطع شده و سیستم سوئفت و مجاری پولی به طور مطلق مسدود می‌گردند. به دلیل توقف و کنار گذاشتن شبکه‌های موازی و مردمی توزیع در زمان آرامش (آتش بس صوری) کشور با بحران شدید تأمین کالاهای اساسی مواجه شده و دوام اقتصادی سیستم کلان از چند ماه تجاوز نخواهد کرد. اگرچه واشنگتن به یک پیروزی ژئوپلیتیک ظاهری نزدیک می‌شود، اما هزینه اقتصادی آن برای بازار جهانی سرمایه‌داری بسیار سهمگین است و قیمت هر بشکه نفت خام از مرز ۱۵۰ دلار عبور می‌کند. چرا که ایران در هر صورت اهرم انسداد تنگه هرمز و ایجاد مخاطره برای نظام انرژی دنیا را در دست خواهد داشت. در

این شرایط و وضعیت تأمین گاز مایع و محصولات پتروشیمی نیز با مخاطره مواجه می شود و این حالتی است که کار را برای مردم اروپا و آمریکا مشکل تر می کند. قیمت های بالای انرژی و محصولات غذایی می تواند گسست های اجتماعی و شورش های بزرگی را در کشورهای اروپایی و آمریکایی ایجاد کند. چنانچه ظرف مدت کوتاهی آمریکا نتواند بر جغرافیای ایران مسلط شود، مخاطرات ایجاد شده در نتیجه قیمت های انرژی، عقب نشینی تحمیلی آمریکا را رقم می زند. این سناریو برای ایران بسیار پرهزینه است اما اگر در میانه سناریو هم ایران رویه خود را تغییر دهد و به تصعید پردازد می تواند آمریکا را متوقف کند. اما اگر وضعیت رخوت جنگی را ادامه دهد، پیروزی با آمریکاست.

#### **۲.۴. انتخاب دوم ایران: استمرار فرسایشی منازعه**

ایران می تواند انتخاب کند که جنگ را به صورت فرسایشی و پینگ پونگی ادامه دهد. در این صورت آمریکا سه انتخاب دارد. یا می تواند انتخاب کند که جنگ را تمام کند. می تواند انتخاب کند که همانند ایران وضعیت پینگ پونگی را ادامه دهد یا این که تصمیم بگیرد با تصعید شرایط جنگی به صورت سخت وارد میدان شود.

#### **۲.۴.۱. استمرار فرسایشی از سوی ایران و پذیرش پایان زود هنگام توسط آمریکا (پیروزی مقاومت)**

##### **(فعال)**

در این موقعیت، چنانچه جمهوری اسلامی ایران دکترین اقتصاد مقاومتی را مستقر کرده و با تکیه بر مقاومت فعال و ارتقای تاب آوری، نبرد فرسایشی را تداوم بخشد می تواند از دست برتر خود در جنگ، امتیازهای اقتصادی خوبی را از طرف مقابل بگیرد. در این موقعیت ضعف طرف مقابل آشکار می شود و ایران می تواند حداکثر استفاده را از این ضعف داشته باشد. در مقابل، هیئت حاکمه آمریکا به دلیل ناتوانی در کنترل هزینه های فرامرزی و فشارهای شدید افکار عمومی، ناچار به پذیرش شکست استراتژیک و عقب نشینی یک طرفه می شود. این سناریو به عنوان نقطه عطف تجلی اقتصاد مقاومتی ارزیابی می شود. با اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی، وابستگی به سیستم های پولی غربی به طور نهادینه قطع شده و مجاری صادراتی جدید بر پایه ارزهای ملی و پیمان های پولی چندجانبه با بلوک شرق شکل می گیرد و رشد پایدار تولید واقعی آغاز می گردد. بازارهای

سهام وال استریت آمریکا نیز با سقوط زنجیره‌ای موقت مواجه می‌شوند و اعتبار بین‌المللی دلار مخدوش می‌شود. اما چنانچه اقتصاد مقاومتی حاکم نشود، به دلیل پیوندهای بازارهای ایران با بازار آمریکا، همزمان با شکست‌ها در بازارهای مالی آمریکا و تضعیف دلار، بسته به میزان وابستگی، بازار پولی و مالی ایران نیز با مخاطراتی مواجه می‌شود.

#### ۴.۲.۲. استمرار فرسایشی دوسویه (موقعیت فرسایش پینگ‌پونگی و وضعیت شهر کلنگی)

این سناریو تداوم درگیری‌ها میان جبهه مقاومت و آمریکا و اسرائیل، حملات موضعی سایبری به زیرساخت‌ها و برخوردهای محدود دریایی را با شدتی متوسط اما مستمر و طولانی مدت به تصویر می‌کشد. هیچ‌یک از دو طرف دکترین تصعید شدید را کلید نمی‌زنند اما ضربات پنهان را ادامه می‌دهند. برآیند این سناریو، شکل‌گیری وضعیت «شهر کلنگی» برای ایران و تخریب زیرساخت‌های منطقه‌ای آمریکا و شرکایش است. زیرساخت‌های صنعتی کشور به دلیل عدم سرمایه‌گذاری‌های کلان دچار فرسودگی تدریجی می‌شوند. قیمت نفت در کانال ۱۰۰ دلار تثبیت می‌شود که درآمدهایی را نصیب دولت می‌کند، اما هزینه‌های لجستیک صادرات و دور زدن تحریم‌ها، بخش عمده‌ای از این مواهب را می‌بلعد. در طرف مقابل، اقتصاد آمریکا این سطح از فرسایش را بهتر تحمل می‌کند. داده‌های فدرال رزرو بوستون اثبات می‌کند که اثر این سناریو بر نرخ اشتغال داخلی آمریکا ناچیز است و ماندگاری قیمت نفت در حدود ۱۰۰ دلار، می‌تواند رونق اقتصادی کارتل‌های نفتی ایالت تگزاس را فراهم آورد (Federal Reserve Bank of Boston, 2026). تداوم طولانی مدت این موقعیت، ایران را رفته‌رفته به یک کشور با وضعیت کلنگی (همانند سوریه قبل از سقوط بشار اسد) تبدیل می‌کند، قدرت خرید مردم را به شدت کاهش می‌دهد، بیکاری را گسترش می‌دهد، سرمایه‌ها را فرسوده می‌کند و اقتصاد را وارد یک رکود بسیار سهمگین می‌کند. مگر آن‌که اقتصاد مقاومتی به عنوان نظریه کلان حاکم شود و تاب‌آوری مردم را با تقویت نظام درون‌زای تولیدی بالا ببرد.

#### ۴.۲.۳. استمرار فرسایشی از سوی ایران و تصعید جنگ توسط آمریکا (پیروزی هژمون)

در حالی که ایران تلاش دارد منازعه را در چهارچوب جنگ فرسایشی کم‌شدت مدیریت کند، آمریکا قواعد بازی را تغییر داده و با تصعید حملات نظامی، به بمباران مستقیم تأسیسات استراتژیک مبادرت می‌کند و همزمان فشارهای اقتصادی را به اوج

می‌رسانند. این وضعیت منجر به آسیب جدی به ارکان تولید ایران می‌شود. پالایشگاه‌های مادر هدف قرار می‌گیرند و میزان صادرات هیدروکربوری کشور به نزدیکی صفر سقوط می‌کند. اگر اقتصاد مقاومتی و شبکه‌های توزیع غیرنفتی بیشتر فعال نشده باشند، کشور با کسری بودجه شدید و تکانه‌های ارزی و کمبودهای انرژی سهمگین مواجه می‌شود. تنها ابزار ایران در این موقعیت، واکنش‌های نامتقارن موشکی حلقه‌های مقاومت است. این حلقه‌های در شرایطی پایدا می‌ماند که پشتیبانی مردمی را به همراه خود داشته باشد. این پشتیبانی نیز در شرایطی وجود خواهد داشت که وضعیت ابتدایی زندگی مردم در مخاطره قرار نگیرد. هرچند هسته سخت طرفدار نظام جمهوری اسلامی همواره با انقلاب می‌ماند اما اگر وضعیت زندگی مردم سخت شود، تلاش هسته سخت نظام با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود. چرا که ممکن است دوقطبی اجتماعی، وضعیت درونی کشور را دچار بحران کند و شورش‌های داخلی را رقم زند. شورش‌هایی که می‌تواند با موج سواری دشمن همراه شود و کشتار جمعی از مردم ایران را نتیجه دهد. در این شرایط احتمال انسداد فیزیکی مطلق تنگه هرمز به شدت بالا می‌رود و قیمت نفت را به بالای ۱۵۰ دلار می‌برد.

#### ۳.۴. انتخاب سوم ایران: رویکرد تصعید و تشدید سخت

سومین انتخاب ایران این است که تصمیم بگیرد جنگ را وارد شدیدترین حالت ممکن کند. تعبیر «جنگ عا شورایی» در این زمینه به کار می‌رود. در این حالت نیز برای آمریکا سه انتخاب وجود دارد. یکی این که درخواست پایان جنگ دهد. یکی این که با نواخت متوسط به جنگ ادامه دهد و یا این که با تمام قوا وارد درگیری شود. در ادامه به شرح این پیامدها ارائه می‌شود.

#### ۳.۴.۱. فشار حداکثری و تصعید از سوی ایران و پذیرش پایان زودهنگام توسط آمریکا (پیروزی

##### مقتدرانه ایران)

این سناریو، خوش‌بینانه‌ترین سناریوی پیش‌روی ایران است. در این وضعیت، ایران با خروج کامل از حالت تدافعی، تمام ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، نظامی و اقتصادی خود را فعال کرده و با بستن کامل تنگه هرمز، شوک قیمت انرژی شدیدی را به اقتصاد دنیا وارد می‌سازد. آمریکا با درک احتمال مخاطره اقتصادی، بلافاصله درخواست آتش‌بس داده و عقب‌نشینی می‌کند.

این امر منتهی به پیروزی استراتژیک مقتدرانه ایران می شود. صادرات نفت و کالاهای بومی کشور با قیمت های بسیار بالا و بدون مضائقه های تحریمی از سر گرفته می شود؛ چرا که ایران در این موقعیت به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه انرژی می تواند قیمت نفت را افزایش دهد. ارزش ریال به شکل جهشی تقویت شده و موج بزرگی از سرمایه گذاری های زیر ساختی از سوی قطب های اقتصادی شرق به سمت ایران سرازیر می گردد. برای آمریکا، این رویکرد به معنای بروز یک فاجعه اقتصادی بی سابقه، سقوط آزاد شاخص های بورس وال استریت و بحرانی در مقیاس رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ است که تسلط صد ساله هژمونی پولی دلار را وارد بحران وجودی می کند. چنانچه شرق با محوریت چین در اقتصاد با ایران همنوایی کند، این پیامد می تواند به حاکمیت دلار پایان دهد.

#### ۲.۳.۴. تصعید از سوی ایران و استمرار فرسایشی از سوی آمریکا (مرداب فرسایش برای آمریکا)

در این شرایط ایران دست به آفند و انسداد جریان های انرژی می زند، اما جبهه آمریکایی آرایش «فرسایش مقاوم» را اتخاذ کرده و تلاش می کند با اعمال تحریم های مطلق بین المللی، و تلاش در جهت بستن مسبرهای دریایی تحت نفوذ ایران، توان تهاجمی ایران را به تدریج مستهلک کند. زیر ساخت های پایگاه های نظامی آمریکا دچار تخریب گسترده می شوند و نیروهای آمریکایی در منطقه یا از بین می روند یا ناچار می شوند منطقه را ترک کنند. چنانچه آمریکا برای طولانی مدت، تدافع فرسایشی را ادامه دهد، طولانی شدن زمان نبرد و محرومیت از درآمدهای ارزی رسمی، منابع مالی ایران را تحلیل می برد و چنانچه ایران به راه های جایگزین در تجارت اقدام نکند و اقتصاد مقاومتی را در ساختار پولی و مالی اجرا نکند، ناچار می شود اقتصاد جیره بندی عمیق یا تورم های گسترده را تحمل کند. آمریکا نیز در یک مرداب فرسایشی پرهزینه برای نگهداری ناوگان های جنگی خود باقی می ماند. رسیدن نفت به قیمت های بالای ۱۵۰ دلار، تاب آوری اقتصادی مردم اروپا و آمریکا را به شدت کاهش می دهد و جامعه آمریکا و اروپا را وارد اعتراضات گسترده می کند. به دلیل شرایط حمله گسترده توسط ایران، انسجام اجتماعی دوچندان می شود و روحیه بالای مردم، می تواند پایداری اقتصادی بالاتری را نتیجه دهد.

### ۴.۳.۳. تصعید دوطرفه و وقوع جنگ تمام‌عیار (جنگ اراده‌ها)

این سناریو برخورد مستقیم، همه‌جانبه و بدون خط قرمز دو بازیگر را به تصویر می‌کشد. در صورت انسداد مجاری خلیج فارس، ایران و حلقه‌های مقاومت به سرعت مسیرهای جایگزین پازل جهانی یعنی دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و کانال سوئز را نیز به طور کامل مسدود خواهند ساخت. برای ایران، این سناریو به معنای پیروزی ژئوپلیتیک نهایی در بطن ویرانی‌های گسترده زیرساختی است. با این وجود، به دلیل ماهیت ایمانی جامعه، ساختار اجتماعی پابرجا مانده و نظم جدید اقتصادی منطقه بر مدار اراده تهران بازطراحی خواهد شد. در مقابل، اقتصاد آمریکا با فاجعه نامتقارن تورم دورقمی و جهش شاخص  $PCE^9$  مواجه می‌شود. استفاده بی‌رویه واشنگتن از سلاح تحریم، روند دلارزدایی را در میان قدرت‌های بریکس شتاب بخشیده و سیستم برتون وودز را وارد مخاطره می‌کند. تداوم این وضعیت موقعیت سیاسی حزب حاکم آمریکا را در انتخابات پیش‌روی میان‌دوره‌ای کنگره مخدوش می‌سازد. در این حالت، امکان استفاده آمریکا از بمب‌های هسته‌ای تاکتیکی یا غیرتاکتیکی به حداکثر می‌رسد. این احتمال، همواره مانع تصمیم ایران به حداکثری کردن فشار خواهد بود. از این روست که آمریکا دست برتر در انتخاب سناریوی سوم را دارد. هرچند وجاهت جهانی آمریکا با کار بست این سلاح به حداقل خواهد رسید و آمریکا را وارد یک مخاطره جدی خواهد کرد. در صورت عدم استفاده از سلاح هسته‌ای، آمریکا قطعاً بازنده این سناریو است و در صورتی که آمریکا این سلاح را استفاده کند، به فرض بقای ایران، شرایط برای آمریکا بغرنج می‌شود مگر آن‌که تصمیم بگیرد که بقای ایران را از بین ببرد که در این صورت، یا ایران با ساخت زیرزمینی یا خرید سلاح هسته‌ای وارد یک ماجراجویی هسته‌ای می‌شود یا سلاحی جایگزین را به کار می‌برد و موجودیت اسرائیل را از بین می‌برد یا بقای ایران با مخاطره مواجه می‌شود. این سناریو، سناریویی است که هر دو طرف از انتخاب آن پرهیز می‌کنند. اما در عین حال به دلیل تراحم وجودی و تمدنی این دو کشور، این سناریو یک سناریوی بسیار محتمل است. هرچند ممکن است رخداد آن در کوتاه‌مدت نباشد. در

---

<sup>9</sup> Personal Consumption Expenditures Price Index

چنین صورتی و حتی با عدم بقای ایران نیز، نظم بین الملل وارد یک دوران جدید می شود و هژمون آمریکا قابلیت برای بازگشت به دوران پیشین را نخواهد داشت.

## ۵. ماتریس تحلیل ساختاری و ارزیابی تطبیقی پیامدهای سناریوها

با توجه به آن چه تا کنون به آن پرداختیم می توان ماتریس پیامدهای سناریوها را به شکل زیر مشاهده کرد:

## ماتریس سناریو- پیامد تقابل ژئواکونومیک ایران و آمریکا در جنگ تحمیلی سوم

| سناریو                                                       | آمریکا                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      | پایان زودهنگام                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              | مواجهه متوسط /<br>فرسایشی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | مواجهه حداکثری /<br>تصعید<br>صلب |
|--------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|
| ایران                                                        |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |                                  |
| سطح اول: پایان<br>زودهنگام<br>(تغییرات مقطعی و مهار<br>سریع) | سناریو ۱: تله تنش‌زدایی یا آتش‌بس<br>موقت و مبهم<br>کانال غالب: پایداری ارزی (موقت)<br>پیامد برای ایران: رشد صوری بازار<br>سرمایه؛ کاهش موقت نرخ ارز؛ عدم حل<br>مسئله تحریم‌ها؛ عدم شکل‌گیری<br>سرمایه‌گذاری مولد.<br>پیامد برای آمریکا: هزینه‌های غرق‌شده<br>نظامی بدون دستاورد؛ قیمت نفت به<br>۸۰-۷۰ دلار سقوط می‌کند؛ تعادل<br>ناپایدار. | سناریو ۲: نه جنگ نه صلح<br>کانال غالب: لجستیک و زنجیره<br>تأمین انرژی<br>پیامد برای ایران: فرار سرمایه؛ تورم<br>فزاینده؛ کسری بودجه ساختاری؛<br>کاهش ذخایر راهبردی.<br>پیامد برای آمریکا: مدیریت قیمت<br>نفت در ۸۰ تا ۱۰۰ دلار؛ درگیری‌های<br>محدود و کنترل‌شده؛ هزینه نظامی<br>پایین.                                                                                                                      | سناریو ۳: غفلت تاریخ‌ساز<br>کانال غالب: نظامات مالی و تجاری<br>پیامد برای ایران: قطع ۹۰ درصد از<br>تجارت خارجی برای کوتاه‌مدت؛<br>انسداد کامل سوئیفت؛ بحران تأمین<br>کالاهای اساسی؛ فروپاشی بوروکراسی<br>دولتی در صورت عدم اجرای اقتصاد<br>مقاومتی.<br>پیامد برای آمریکا: قیمت نفت بالای<br>۱۵۰ دلار؛ فشار تورمی بر اروپا و<br>آمریکا؛ خطر شورش‌های اجتماعی در<br>غرب.                                                                          |                                  |
|                                                              | سناریو ۴: پیروزی مقاومت فعال<br>کانال غالب: تاب‌آوری اجتماعی<br>پیامد برای ایران: قطع وابستگی به<br>سوئیفت؛ رشد صادرات با پیمان‌های<br>پولی شرق؛ رشد تولید واقعی؛ تثبیت<br>ارزش ریال.<br>پیامد برای آمریکا: سقوط زنجیره‌های<br>وال‌استریت؛ مخدوش شدن اعتبار دلار؛<br>پذیرش شکست استراتژیک و<br>عقب‌نشینی یک‌سویه.                           | سناریو ۵: شهر کلنگی (فرسایش<br>پینگ‌پونگی)<br>کانال غالب: لجستیک انرژی +<br>تاب‌آوری<br>پیامد برای ایران: فرسودگی<br>زیرساخت‌های صنعتی؛ کاهش شدید<br>قدرت خرید؛ بیکاری گسترده؛ رکود<br>عمیق؛ تبدیل شدن به کشوری<br>کلنگی (مانند سوریه قبل از سقوط).<br>پیامد برای آمریکا: تخریب<br>زیرساخت‌های شرکای منطقه‌ای،<br>افزایش درآمد شرکت‌های نفتی<br>تگزاس؛ تحمل‌پذیری بالای اقتصادی،<br>قیمت نفت ۹۰ تا ۱۱۰ دلار | سناریو ۶: پیروزی هژمون (تصعید<br>یک‌سویه آمریکا)<br>کانال غالب: نظامات مالی + تاب‌آوری<br>پیامد برای ایران: بمباران پالایشگاه‌ها؛<br>صادرات نفت به صفر؛ کسری بودجه<br>شدید؛ خطر شورش‌های داخلی در<br>صورت عدم اجرای اقتصاد مقاومتی؛<br>واکنش نامتقارن از طریق حلقه‌های<br>مقاومت.<br>پیامد برای آمریکا: قیمت نفت بالای<br>۱۵۰ دلار؛ حفظ فشار حداکثری؛ اما<br>با خطر مقابله نامتقارن و افزایش<br>هزینه‌های نظامی از بین رفتن<br>تاب‌آوری اجتماعی |                                  |
| سطح سوم: تصعید<br>صلب<br>(تقابل همه‌جانبه و حاد)             | سناریو ۷: پیروزی مقتدرانه ایران<br>کانال غالب: نظامات مالی و تجاری +<br>انرژی<br>پیامد برای ایران: خروج کامل از<br>تحریم‌ها؛ صادرات نفت با قیمت بالا؛<br>جهش ارزش ریال؛ سرازیر شدن<br>سرمایه‌گذاری شرق به ایران و تسهیل<br>ارتباط اقتصادی با اروپا با رفع تحریم‌ها                                                                          | سناریو ۸: مرداب فرسایش برای<br>آمریکا<br>کانال غالب: انرژی + تاب‌آوری<br>پیامد برای ایران: انسداد تنگه هرمز و<br>دریای سرخ؛ تحلیل منابع مالی در<br>بلندمدت و تورم شدید در صورت<br>عدم اجرای اقتصاد مقاومتی                                                                                                                                                                                                  | سناریو ۹: جنگ آراده‌ها<br>کانال غالب: تمام کانال‌های چهارگانه<br>به‌طور همزمان<br>پیامد برای ایران: ویرانی گسترده<br>زیرساخت؛ اما پایداری اجتماعی به<br>دلیل ماهیت ایمانی و انسجام ملی؛                                                                                                                                                                                                                                                         |                                  |

|                                                                                                                                                 |                                                                                                                                                                     |                                                                                                                                                                                                                                         |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| پیامد برای آمریکا: سقوط مالی<br>کم‌سابقه؛ سقوط والاستریت؛ بحران به<br>قابل مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۳۰؛ پایان<br>هژمونی دلار (در صورت همراهی چین). | پیامد برای آمریکا: نفت ۱۵۰ دلاری<br>تخریب پایگاه‌های نظامی؛ خروج<br>نیروهای آمریکایی از منطقه؛ افزایش<br>اعتراضات در اروپا و آمریکا به دلیل<br>قیمت‌های بالای انرژی | طراحی نظم جدید منطقه‌ای بر مدار<br>تهران.<br><br>پیامد برای آمریکا: تورم دو رقمی؛<br>دلارزدایی شتابان از سوی بریکس؛<br>فروپاشی نظام برتون وودز؛ استفاده<br>احتمالی از سلاح هسته‌ای تاکتیکی<br>(که وجهت جهانی آمریکا را نابود<br>می‌کند) |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

## ۶. تحلیل اثربخشی کانال‌های انتقال شوک بر واقعیت ژئواکونومیک تنازع

همان‌گونه که در شرح سناریوها تبیین شد، ایران در موقعیت‌های انتخاب مختلف، ناچار از کاربست اقتصاد مقاومتی است. در غیر این صورت، در عمده سناریوهای جنگ به دلیل فشار سنگین اقتصادی که آمریکا می‌تواند بر ایران وارد کند، موقعیت ایران را تضعیف می‌کند. تنها در معدودی از سناریوهاست که استحکام هسته سخت نظام می‌تواند توان عبور از فشارهای اقتصادی را به کشور بدهد. در غیر از این حالات، عبور از بحران نیازمند عزم همگانی و انسجام ملی است. انسجام ملی نیز در صورتی ماندگار می‌شود که ستون فقرات زندگی مردم که اقتصاد است دچار فروپاشی نشود. در این بخش تلاش می‌کنیم بررسی کنیم که اقتصاد مقاومتی چگونه می‌تواند کانال اثرگذاری شوک‌ها و بحران‌های ناشی از جنگ را مختل کند و پایداری جامعه ایرانی را استحکام بخشد. این کانال‌های انتقال شوک مشتمل بر موارد زیر است:

۱- پایداری کانال انتقال شوک ارزی و پولی: نحوه رفتار نرخ ارز در برابر تکانه‌های بیرونی ناشی از هرکدام از سناریوها و اثر این تکانه‌ها بر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI). در حالی که دلار در کوتاه‌مدت از این تنازع سود می‌برد، اما ساختار شکننده اقتصاد آمریکا و سیاست‌های پرنوسان، آن را در مسیر تضعیف بلندمدت قرار داده است. در نقطه مقابل، ریال ایران به دلیل اجرای سیاست‌های نادرست، درگیر یک بحران تمام‌عیار ارزی و تورمی است. این شکاف، تصویری از یک «جنگ اقتصادی» نابرابر را ترسیم می‌کند که در آن یک سو با تقویت موقت و در سوی دیگر با اشکالات ساختاری اساسی روبرو است.

۲- لجستیک و زنجیره تأمین انرژی: نوسانات قیمت جهانی نفت و گاز و ضریب ناامنی گذرگاه‌های دریایی (تنگه هرمز و دریای سرخ). مورگان استنلی در آوریل ۲۰۲۶ سه سناریوی اصلی را بر اساس مدت زمان اختلال در تنگه هرمز مطرح کرد: در سناریوی کاهش تنش و عادی‌سازی ترانزیت ظرف یک ماه، قیمت نفت در محدوده ۸۰ تا ۹۰ دلار در هر بشکه تثبیت می‌شود؛ در صورت ادامه محدودیت‌ها و بازگشت ۸۰ درصدی ترانزیت طی سه ماه، قیمت به ۱۰۰ تا ۱۱۰ دلار می‌رسید و در بدترین حالت، یعنی بسته ماندن کامل تنگه هرمز برای چند ماه، قیمت نفت تواند به ۱۵۰ تا ۱۸۰ دلار در هر بشکه صعود کند (Morgan Stanley, 2026). این تحلیل از روند قیمت نفت به‌طور کمابیش در سایر منابع نیز تبیین شده است. اما آنچه از تحلیل سناریوهای موجود بر می‌آید این است که در صورت توافق توأم با عادی‌سازی، نفت می‌تواند تا بازه ۷۰ تا ۸۰ دلار کاهش قیمت دهد و اگر تشدید جدی تنش‌ها رخ دهد، این قیمت از ۱۵۰ دلار فراتر خواهد رفت.

۳- نظامات مالی و تجاری بین‌المللی: محدودیت سیستم‌های پیام‌رسانی مالی و پایداری پیمان‌های پولی دوجانبه یا چند جانبه.

۴- تاب‌آوری اجتماعی: میزان انباره استراتژیک اقلام حیاتی، توانمندی تولید جایگزین بومی، کشش روانی- اجتماعی جامعه و میزان نظم اجتماعی درون‌زا که توانایی خنثاسازی تکانه‌های اقتصادی در سطح معیشت مردم را داشته باشد.

در ادامه به شرح هر کدام از این کانال‌ها پرداخته می‌شود.

## ۶. ۱. کانال پایداری ارزی و پولی

در نگاه اقتصاددانان رایج ایرانی، ارزش ریال تابعی از میزان ذخایر دلار و دسترسی به نظامات پولی جهانی است. در این نگاه، به محض بروز تکانه نظامی، سیگنال فروپاشی به بازار ارز صادر می‌شود. این در حالی است که در دکتین اقتصاد مقاومتی، ارزش پول ملی به توان تولید واقعی بومی و حذف وابستگی کاذب روانی و واقعی به دلار گره می‌خورد. در این وضعیت، اقتصاد

مقاومتی با تغییر مبنای مبادلات به پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه با شرکای متنوع و استفاده از دارایی‌های واقعی (نظیر نفت، طلا، محصولات پتروشیمی و ...) و توسعه تهاثرهای دانش‌بنیان، نظام پولی را از ترکش‌های دلار مصون می‌کند. استفاده لجام‌گسیخته آمریکا از سلاح تحریم در مقابل کشورهای مختلف که در سال‌های اخیر رخ داده است، شرکای بالقوه ایران را متقاعد کرده است که لازم است به نظامات پولی جایگزین هم فکر کنند. لذا شرایط برای پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه بسیار مهیاتر شده است.

## ۲.۶. کانال لجستیک و زنجیره تأمین انرژی: ابزارسازی استراتژیک از پاشنه آشیل اروپا و

### چین

آسیب‌ناپذیری آمریکا در برابر شوک‌های نفتی، تنها تا زمانی معتبر است که منازعه در فاز فرسایش دوجانبه باقی بماند. در فاز فرسایش، افزایش قیمت نفت به ۱۰۰ دلار می‌تواند به نفع شرکت‌های آمریکایی باشد. اما، با ورود ایران به فاز تصعید شدید و انسداد همزمان تنگه هرمز و دریای سرخ، زنجیره تأمین جهانی دچار اختلال جدی خواهد شد. اقتصاد آمریکا شاید بتواند بخشی از نفت مصرفی خود را تأمین کند، اما کارخانجات آن فلج شده و این امر منجر به افزایش شاخص تورم پولی آمریکا به سطوح دورقمی بحرانی می‌شود. در این فضا، ایران می‌تواند با انتقال پایانه‌های نفتی خود به خارج از خلیج فارس و توسعه پالایشگاه‌های کوچک بومی، وابستگی خود را به خام‌فروشی قطع کند. در این شرایط انتقال انرژی از خلیج فارس به اروپا و چین از مسیر دریایی غیرممکن خواهد شد و چین، اروپا و حتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای ایجاد تجارت پایدار در حوزه نفت و انرژی ناچارند کانال ایران برای انتقال انرژی به اروپا و چین از مسیر زمینی را بپذیرند. لجستیک مسیر جایگزین توسط چین و اروپا ایجاد خواهد شد و پاکستان و افغانستان از سمت شرق و ترکیه و عراق از سمت غرب به هاب‌های انتقال انرژی به چین و اروپا تبدیل خواهند شد. اقتصاد مقاومتی ایجاب می‌کند که مسیر تجارت زمینی، حتی در انتقال انرژی نیز به‌عنوان مسیر اصلی انتقال معرفی شود.

## ۳.۶. کانال نظامات مالی و تجاری: طلوع بریکس و زنگ خطر سیستم برتون وودز

یکی از ابزارهای اصلی تحریم ترکیبی آمریکا، قطع دسترسی ایران به پیام‌رسان سوئیفت است تا رگ‌های تجاری ایران منجمد شود. کنش‌گران اقتصادی غرب‌گرا اعم از اقتصاددانان و تجار و سیاست‌گذاران داخلی سال‌ها کشور را معطل پذیرش قواعد سوئیفت نگه داشته‌اند و در جهت توسعه مسیرهای بدیل نه گام برداشته‌اند و بلکه مانع هم شده‌اند. تأکید بیش از حد بر پذیرش FATF و تعهدات جانبی آن و اصرار بر پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی اقتصادی و معاهدات تجاری مختلف از سوی این افراد را می‌توان در این مسیر ارزیابی کرد. اما در سناریوهای مقاومت فعال، سیستم اقتصادی کشور با سرعت به سمت جایگزینی سیستم‌های پیام‌رسان مالی بومی و اتصال به نظامات مالی جایگزین در بلوک شرق یا کشورهای نسبتاً مستقل حرکت می‌کند. این جابه‌جایی پارادایمیک، تروریسم اقتصادی و شکنج را بی‌اثر می‌سازد. این رفتار روند تضعیف دلار را در میان قدرت‌های نوظهور جهان به مرحله بازگشت‌ناپذیر هدایت می‌کند. چرا که تعادل‌های بدیل با کارایی بالا و استقلال سیاسی نقاط مطلوبی برای کشورهای دنیا به شمار می‌روند.

## ۴.۶. کانال تاب‌آوری اجتماعی

مهم‌ترین کانال انتقال شوک، سفره مردم است. این سفره می‌تواند شوک را به یک منازعه اجتماعی که نهایتاً ساختار سیاسی کشور را دچار مخاطره می‌کند تبدیل کند. در تفکر متعارف، توزیع کالا بر پایه مکانیزم قیمت‌ها و زنجیره‌های بزرگ فروشگاهی صورت می‌پذیرد. تولید کالا و یوتیلیتی نیز در سازه کارخانه‌ها و نیروگاه‌های معدود و وابسته به مواد اولیه با برندهای محدود و قابل تحریم صورت می‌گیرد. بازارهای پولی و مالی نیز بازارهایی دارای قابلیت رهگیری با نظام پدافندی بسیار ناکارآمد و شکننده هستند که ضربه‌ای واحد به آن‌ها می‌تواند اختلال سیستم مالی و پولی را نتیجه دهد. این ساختار در شرایط جنگ تمام‌عیار به سرعت قفل می‌شود و کشور را دچار یک شکست اقتصادی بزرگ می‌کند.

دکترین اقتصاد مقاومتی در اینجا «تاب‌آوری اجتماعی» را پیشنهاد می‌دهد. بر این اساس، در بعد توزیع کالا، دپوی استراتژیک اقلام حیاتی باید از انبارهای متمرکز بزرگ به انبارهای توزیع شده کوچک مردمی منتقل شود. شبکه توزیع باید به شبکه مساجد،

هیئات و گروه‌های جهادی واگذار گردد. این مدل تکافل اجتماعی، کالا را بر اساس نیاز واقعی دهک‌های مستضعف توزیع می‌کند و مانع از اصابت موج‌های تورمی به معیشت توده‌ها می‌شود. در تولید کالا و یوتیلیتی، اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌کند که از استراتژی تولید شهرکی رفته‌رفته به استراتژی تولید در بستر زندگی شهری و روستایی تغییر مسیر صورت گیرد مگر در مواردی که آلاینده‌ها اجازه چنین کاری را نمی‌دهند. راه‌اندازی نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های کوچک و محلی می‌تواند شکست ناشی از حملات فرسایشی یا تشدید شونده که در سناریوهای مختلف به آن‌ها اشاره شد را به حداقل برساند. تنظیم سیستم پولی و مالی به نحوی که بتواند پشتیبان این نوع از تولید شود و نظریات حمایتی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی را جایگزین اقتصاد پولی رایج کند در این مسیر ضروری است.

## ۷. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

کالبد شکافی تفصیلی نه سناریوی مستخرج از ماتریس رفتارهای جنگ تحمیلی سوم، ناکارآمدی ساختار و نظریه اقتصاد متعارف را در جنگ تحمیلی سوم روشن می‌کند و چند یافته راهبردی را آشکار می‌سازد. پیروزی در جنگ ترکیبی معیشت‌محور، منوط به شاخص‌های صوری رشد GDP نیست، بلکه وابسته به میزان تاب‌آوری اجتماعی است و این تاب‌آوری تابع میزان استفاده عملیاتی از گزاره‌های اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد ایران در بعد تاب‌آوری، و وضعیتی بهینه‌تر از آمریکا دارد. چنان‌چه جنگ وارد فاز تاب‌آوری اجتماعی نشود، موقعیت برای ایران سخت‌تر است و چنان‌چه جنگ وارد این فاز شود، ایران دست برتر را پیدا می‌کند. از سوی دیگر اقتصاد آمریکا در فاز فرسایش محدود، پایداری نشان می‌دهد اما ساختار پولی آن به شدت در برابر تصعید شدید شکننده است. از این رو با محاسبه دقیق پیامدها، سیاست‌گذاران ما نباید مطالعه فاز تشدید را کنار بگذارند. چرا که این فاز علی‌رغم سختی‌ها، می‌تواند شکننده‌ترین حالت را برای دشمن رقم بزند.

جهت آماده‌سازی ساختار اقتصادی کشور برای مواجهه با شدیدترین سناریو، اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

- مردمی‌سازی شبکه توزیع و انبارداری اقلام حیاتی: واگذاری نظام توزیع به شبکه مساجد و پایگاه‌های جهادی

محلات به عنوان سنگرهای معیشتی برای جلوگیری از حملات سایبری به زنجیره تأمین.

- خروج فوری از دکترین دلارپذیری: ممنوعیت معاملات داخلی با اسکناس دلار، حذف نرخ ارزهای غربی از ساختار قیمت‌گذاری کالاهای اساسی و هدایت مبادلات خارجی به سمت پیمان‌های پولی بریکس.
- توسعه زنجیره ارزش در صنعت نفت و گاز: توسعه پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و پتروپالایشگاه‌های چابک، کوچک و مردمی در پهنه جغرافیا جهت بی‌اثر کردن تحریم فروش نفت خام و مصونیت در برابر حملات نظامی فیزیکی.
- احیای نظامات مالی اسلامی و تکافل اجتماعی مردم‌محور: کنترل بانک‌های خصوصی، هدایت تسهیلات به سمت تولیدهای مردمی و ایجاد صندوق‌های مواسات محله‌محور برای حفظ پایداری اجتماعی دهک‌های پایین.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم. سوره نساء، آیه ۱۴۱.
۲. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹، ۱۶ شهریور). بیانات در دیدار کارآفرینان. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.
۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲، ۲۹ بهمن). ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.
۴. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳، ۲۰ سفند). بیانات در دیدار مسئولان دستگاه‌های مختلف درباره اقتصاد مقاومتی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.
۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵، ۱ فروردین). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.
6. U.S. Energy Information Administration. (2026, May). Monthly Energy Review, section 9: Energy prices. <https://www.eia.gov/totalenergy/data/monthly/pdf/sec9.pdf>
7. Federal Reserve Bank of Boston. (2026, June 4). There are early signs of renewed labor market strength during Iran war
8. Collinson, S. (2026, June 11). Why a frustrated Trump is turning again to bombs to force Iran's hand. CNN / RNZ. [<https://www.rnz.co.nz/news/world/597938/why-a-frustrated-trump-is-turning-again-to-bombs-to-force-iran-s->

- hand](<https://www.rnz.co.nz/news/world/597938/why-a-frustrated-trump-is-turning-again-to-bombs-to-force-iran-s-hand>)
9. Federal Reserve Bank of Boston. (2026, June 4). Reassessing the U.S. Economy's Vulnerability to Oil Shocks. Current Policy Perspectives. [<https://www.bostonfed.org/publications/current-policy-perspectives/2026/reassessing-us-economys-vulnerability-oil-shocks.aspx>](<https://www.bostonfed.org/publications/current-policy-perspectives/2026/reassessing-us-economys-vulnerability-oil-shocks.aspx>)
  10. Hoffman, F. G. (2014). Conflict in the 21st Century: The Rise of Hybrid Wars. Potomac Institute for Policy Studies.
  11. IndexBox. (2026, June 6). Federal Reserve Bank of Boston Analysis Shows Oil Price Spikes Now an Inflation Problem, Not a Recession Trigger. [<https://www.indexbox.io/blog/fed-study-oil-shocks-no-longer-guarantee-us-recession/>](<https://www.indexbox.io/blog/fed-study-oil-shocks-no-longer-guarantee-us-recession/>)
  12. International Energy Agency (IEA). (2026). Oil Market Report – Strait of Hormuz. Paris: IEA Publications.
  13. Morgan Stanley. (2026). Iran conflict: Three scenarios for markets. Morgan Stanley Research. <https://prod-mssip.morganstanley.com/insights/articles/iran-conflict-three-market-scenarios-investors-consider>
  14. Sachs, J. D., & Fares, S. (2026a, January 24). 'Economic Statecraft' Exposed: A Key Pillar of US Hybrid Warfare for All to See. [jeffsachs.org](https://www.jeffsachs.org) / Common Dreams. [<https://www.jeffsachs.org/newspaper-articles/rlskj9m6nzabkgyymfjcge7nyty79>](<https://www.jeffsachs.org/newspaper-articles/rlskj9m6nzabkgyymfjcge7nyty79>)
  15. Sachs, J. D., & Fares, S. (2026b, January 30). Jeffrey Sachs: Engineering Iran's Unrest. Consortium News.
  16. Schwartz, P. (1996). The Art of the Long View: Planning for the Future in an Uncertain World. New York: Doubleday.

17. Simon, S. (2018). Iran and President Trump: What Is the Endgame? *Survival*, 60(4), 7-20.  
<https://doi.org/10.1080/00396338.2018.1494975>
18. Snidal, D. (1985). The Game Theory of International Politics. *World Politics*, 38(1), 25-57.
19. Sumner, A. (2026, April). The coming fuel and food shockwave: How global disorder could deepen global inequality. UNU-WIDER. [<https://www.wider.unu.edu/publication/coming-fuel-and-food-shockwave-how-global-disorder-could-deepen-global-inequality>](<https://www.wider.unu.edu/publication/coming-fuel-and-food-shockwave-how-global-disorder-could-deepen-global-inequality>)
20. U.S. Energy Information Administration (EIA) (2026). World oil transit chokepoints. Retrieved, from [https://www.eia.gov/international/analysis/special-topics/world\\_oil\\_transit\\_Chokepoints](https://www.eia.gov/international/analysis/special-topics/world_oil_transit_Chokepoints)
21. U.S. Energy Information Administration (EIA). (2025). Strait of Hormuz transit volumes. Washington, D.C.: U.S. Department of Energy.